

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عن علي بن الحسين عليه السلام قال:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلْبِ الْعِلْمِ لَطَبَّوهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهْجَ وَ حَوْضَ اللَّجْجِ﴾

الكافي، جلد ۱، صفحه ۳۵

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

محدودیت در صادر اول

| شناسنامه مطلب | |
|---|-------------|
| e-h-۱۰ | کد مطلب |
| علت و معلول | موضوع |
| - | موضوع مرتبط |
| علمی / علوم عقلی / فلسفه / تحقیقی پژوهشی / بدایه و نهاییه / تبیین | رده |
| صادر اول، عصمت، مقامات معصومین (ع)، وحدت، کثرت | برچسب |
| در تولید این فایل از نرم‌افزار جامع الاحادیث متعلق به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی استفاده شده است. | توضیحات |

پایگاه ترکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمو

nomov.ir

سال‌ها این سؤال به ذهن می‌رسید که اگر

۱. مبدأ اعلی را از هر نقص منزّه می‌دانیم

۲. و معتقدیم که بین مبدأ اعلی و صادر اول تفاوتی جز در اصل وجود و امکان نیست اقل تنزلات

وجود دارد و همه کمالات مبدأ که بالذات برای وی ثابت‌اند بالعرض برای صادر هم ثابت‌اند^۱

۳. از ادله غیر فلسفی تطبیق صادر اول را بر مقام نورانی رسول اکرم صلی الهه علیه و آله وسلم

استفاده می‌کنیم^۲

پس حصر ائمه معصومین علیهم السلام در عدد چهارده ناشی از چیست؟

یعنی وقتی صادر اول از نقص عدد منزّه است پس ظهور خلقی وی در عالم جسمانی چرا محدود است؟

در جواب می‌گوییم که:

أ) لازمه مقدمات بالا این است که حصر عصمت در معصومین چهارده‌گانه مقتضای ذات وجودات نخست صادر از حق تعالی نیست و اگر محدودیت‌های عوالم نازله نبود، دیگران نیز می‌توانستند به مقام عصمت کامله برسند.

ب) و نکته مهم اصلی در پاسخ به این سنخ مسائل این است که بدانیم ترتب عوالم، ناشی از برخی اعتبارات عقل است و عوالم در حاق وجود خود به اعتباری نسبت یکسانی به علت حقیقی جل و علا دارند و لذا حصر مذکور که مقتضای تراحمات ناشی از ظرفیت عوالم نازله است با اطلاق عوالم عالیّه از حصر همه باهم از خداوند صادر می‌شوند و اطلاق عوالم عالیّه، موجب عصمت بی حد و عدد نمی‌شود.

۱. برای تأیید اشاره به دعای ناحیه مقدسه در ایام ماه رجب بجاست. رجوع شود به إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ۲، ص: ۶۶۶

۲. به عنوان نمونه رجوع شود به بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۵، ص: ۲۲، ح ۳۸